



# احتجاجهای سوره مبارکه انعام

۱۳۸۱ / ۵ / ۲۱

همراه با ایرادات فخر رازی

دوره هفتم سال تحصیلی

۷۵-۷۶

وزارت آموزش و پرورش  
تعمیرات

استاد راهنما: دکتر بهشتی حفظه... ۱۳۸۱ / ۵ / ۲۱

استاد مشاور: آیه... معرفت حفظه...

نگارش:

سید عبدالحمید امینی

تربیت مدرس دانشگاه قم

۴۱۶۸۹



مرکز تربیت مدرس

۳۰

مرکز اطلاعات  
و  
مدارک علمی ایران

واحد انتشارات

۶۷۸۱۳

فهرست

۱	۱ - پیشگفتار.....
۱	۲ - بیان فخر رازی.....
۲	۳ - جواب صاحب المنار.....
۳	۴ - نامیدن سوره به سوره احتجاج.....
۳	۵ - شبهه در علم پیامبر اسلام.....
۴	۶ - جواب شبهه.....
۶	۷ - پی نوشت مقدمه.....
	<b>استدلال عقلی و قرآن</b>
۸	۸ - فصل اول.....
۸	۹ - منع از استدلال.....
۹	۱۰ - انسان مجهز به عقل.....
۱۰	۱۱ - اصطلاح قرآن با فلسفه تمایز دارد.....
۱۰	۱۲ - معنای برهان، بینه، بصائر.....
۱۱	۱۳ - مقاله شهود عقلانی.....
۱۳	۱۴ - نقد مقاله شهود عقلانی.....
۱۴	۱۵ - اعتقاد و مفاهیم.....
۱۶	۱۶ - فکر و تصدیق در نظر فخر رازی.....
۱۷	۱۷ - استدلال و شناخت خدا از دید فخر رازی.....
۱۸	۱۸ - نقد نظر فخر رازی.....
۱۹	۱۹ - آرائه ملکوت.....
۲۱	۲۰ - استدلال و عقیده باطله.....
۲۴	۲۱ - راه قرآن همان راه استدلال است.....
۲۶	۲۲ - وجود قضایای تصدیقی در قرآن.....
۲۷	۲۳ - راه تحصیل یقین در قرآن.....
۲۸	۲۴ - دلیل رسا همان راه عقلی است.....
۳۰	۲۵ - تأیید روایی بر شناخت عقلی.....
۳۲	۲۶ - پی نوشت فصل اول.....
	<b>اسمهای خاص خدا</b>
۳۵	۲۷ - فصل دوم.....

۳۵	۲۸ - اطلاق اسم بر وصف
۳۶	۲۹ - شبهه زبان شناختی
۳۶	۳۰ - جواب صاحب فلسفه تحلیلی
۳۸	۳۱ - نقض بر صاحب فلسفه تحلیلی در رابطه با اسم الله
۴۰	۳۲ - اسمهای حسناى الهی برای اثبات است
۴۰	۳۳ - اسمهای خدا وسیله عبور
۴۲	۳۴ - جواب مطهری
۴۴	۳۵ - پی نوشت فصل دوم
	<b>شناخت خدا بدون برهان</b>
۴۶	۳۶ - فصل سوم
۴۸	۳۷ - اطلاق شیء بر خدا نمی شود
۴۹	۳۸ - جواب فخر رازی از جهم
۴۹	۳۹ - دغدغه مستشکل در اطلاق شیء بر خدا
۵۱	۴۰ - اسمها و صفات مایز بین خدا و مخلوقاتش
۵۱	۴۱ - خدا ماهیت ندارد
۵۲	۴۲ - مشخصات بسیط الحقیقه
۵۳	۴۳ - ازلیت خدا
۵۴	۴۴ - یکتایی معرف ذات حق
۵۶	۴۵ - حق تعالی متشخص
۵۷	۴۶ - عناصر وحدانیت
۵۷	۴۷ - آفریننده نه تولید کننده
۵۹	۴۸ - مالک و مدبر
۵۹	۴۹ - نکته ظریف
۶۰	۵۰ - توحید و الوهیت
۶۱	۵۱ - تأکید بر توحید در قرآن
۶۱	۵۲ - شناخت الله بر الله
۶۲	۵۳ - عدم شباهت شناخت خدا با شناختها
۶۳	۵۴ - عدم قابلیت ادراک اشیاء جز با خدا
۶۴	۵۵ - پی نوشت فصل سوم

راه دل برای اثبات وجود خداوند

۶۷	۵۶- فصل چهارم
۶۷	۵۷- معنای فطرت
۶۸	۵۸- فطرت در لغت
۶۹	۵۹- فطرت از سنخ هستی
۶۹	۶۰- حقیقت فطرت
۷۰	۶۱- فطرت و شهود
۷۲	۶۲- فطرت و محبت به کمال
۷۳	۶۳- راه ابراهیمی
۷۴	۶۴- اقسام فطرت
۷۵	۶۵- استدلال ابراهیم
۷۶	۶۶- فخر رازی و دلیل ابراهیمی
۷۸	۶۷- شکل قیاسی برهان ابراهیمی از دید فخر رازی
۷۹	۶۸- نقد برهان به بیان فخر رازی
۸۰	۶۹- ملاصدرا و برهان ابراهیمی
۸۲	۷۰- برهان ابراهیم به تقریر علامه طباطبایی
۸۳	۷۱- اشکالهای استاد جوادی آملی بر تقریر علامه طباطبایی
۸۶	۷۲- برهان ابراهیمی به تقریر جوادی آملی
۸۷	۷۳- دیدگاه نگارنده به برهان ابراهیمی
۸۸	۷۴- پیوند دل با اندیشه
۹۰	۷۵- اشکال در حد وسط
۹۳	۷۶- هنر قرآن
۹۴	۷۷- پی نوشت
	<b>راه آفاقی</b>
۹۷	۷۸- فصل پنجم راههای خداشناسی
۹۹	۷۹- شناخت آفاقی
۱۰۰	۸۰- قرآن و قانون علیت
۱۰۱	۸۱- اسمهای خداوند تبارک و تعالی
۱۰۲	۸۲- استدلال از فعل بر فاعل
۱۰۲	۸۳- خدا و برهان پذیری

#### برهان خلقت

- ۸۴ - برهان خلقت و نظر متکلم ..... ۱۰۵
- ۸۵ - قرآن و برهان خلقت ..... ۱۰۶
- ۸۶ - بعضی چیزها که مردم به خدا نسبت می دهند ..... ۱۰۷
- ۸۷ - بیان منطقی برهان خلقت ..... ۱۰۸
- ۸۸ - ترجمه برخی از آیات خلقت ..... ۱۰۹
- ۸۹ - معنای وکیل در قرآن ..... ۱۱۱
- ۹۰ - آیات در قالب گزاره ..... ۱۱۱
- ۹۱ - موضوع گزاره ها ..... ۱۱۱
- ۹۲ - تقریر برهان خلقت ..... ۱۱۲
- ۹۳ - آفرینش انسان در برهان خلقت ..... ۱۱۳
- ۹۴ - برهان جلب منفعت ..... ۱۱۴
- ۹۵ - خلاصه تقریرهای مختلف برهان خلقت ..... ۱۱۵
- ۹۶ - فخر رازی و برهان خلقت ..... ۱۱۵
- ۹۷ - تقریر اول برهان خلقت از دید فخر رازی ..... ۱۱۶
- ۹۸ - خلاصه تقریر اول برهان خلقت از دید فخر رازی ..... ۱۱۷
- ۹۹ - برهان خلقت و آفرینش انسان از دید فخر رازی ..... ۱۱۸
- ۱۰۰ - برهان خلقت و آفرینش گیاه از دید فخر رازی ..... ۱۱۹
- ۱۰۱ - نقد کوتاه از برهانهای فخر رازی ..... ۱۲۴
- ۱۰۲ - پی نوشت برهان خلقت ..... ۱۲۵
- برهان نظم**
- ۱۰۳ - معنای حق و حسیان ..... ۱۲۷
- ۱۰۴ - نظم به معنای فاعل نداشتن ..... ۱۲۹
- ۱۰۵ - برهان نظم و تقریر فخر رازی ..... ۱۳۰
- ۱۰۶ - برهان نظم به تقریر سوم از دید فخر رازی ..... ۱۳۰
- ۱۰۷ - نظر ملاصدرا نسبت به تقریر برهان نظم از دید فخر رازی ..... ۱۳۳
- ۱۰۸ - کن و خطاب تکوینی ..... ۱۳۳
- ۱۰۹ - برهان نظم و اثبات فاعل ..... ۱۳۴
- ۱۱۰ - برهان نظم به تقریر دیگر ..... ۱۳۵
- ۱۱۱ - نظم غایی و اثبات فاعل ..... ۱۳۶
- ۱۱۲ - خلاصه برهان نظم غایی ..... ۱۳۶

۱۳۷	۱۱۳ - برهان نظم به تقریر صاحب الالهیات
۱۳۸	۱۱۴ - نقد تقریر صاحب الالهیات
۱۳۸	۱۱۵ - برهان اتصال تدبیر
۱۳۸	۱۱۶ - اشکال بر برهان نظم
۱۳۹	۱۱۷ - جواب اشکال از برهان نظم
۱۴۱	۱۱۸ - پی نوشت برهان نظم
	<b>برهان هدایت</b>
۱۴۳	۱۱۹ - معنای هدایت
۱۴۳	۱۲۰ - موضوع برهان هدایت
۱۴۴	۱۲۱ - قلمرو برهان و هدایت
۱۴۵	۱۲۲ - اقسام هدایت
۱۴۷	۱۲۳ - هدایت تکوینی در انسان
۱۴۸	۱۲۴ - هدایت تشریحی در انسان
۱۴۹	۱۲۵ - تقریر برهان هدایت
۱۵۰	۱۲۶ - گواهی خدا به صدور هدایت از ناحیه او
۱۵۱	۱۲۷ - برهان هدایت به تقریر دیگر
۱۵۲	۱۲۸ - شکل قیاسی برهان هدایت
۱۵۳	۱۲۹ - شرح تالی قیاس
۱۵۴	۱۳۰ - خصوصیات هدایت الهی
۱۵۵	۱۳۱ - فخر رازی و برهان هدایت
۱۵۶	۱۳۲ - نقد سخن فخر رازی
۱۵۸	۱۳۳ - پی نوشت برهان هدایت
۱۶۰	۱۳۴ - منابع

## پیشگفتار

در فضیلت سوره مبارکه انعام همین بس، که اکثر مفسرین نوشته‌اند که این سوره مبارکه یک دفعه، همه آیاتش نازل شده است. در هنگام نزول آن، هفتاد هزار ملائکه، آن را با تسبیح و تکبیر به طرف زمین آورده‌اند.

این سوره مبارکه با حمد و سپاس خدا شروع شده است سپس آغاز به تبیین و مبرهن ساختن معارف حقیقی اسلام که (بمنزله ماده برای شریعت اسلام است)<sup>(۱)</sup>، کرده است. «اصول دعوت اسلام بر شناخت نظام هستی، نظام وجود انسان، نظام عمل انسان، استوار است»<sup>(۲)</sup>.

بعد از تشریح توحید و نبوت و معاد، شروع به سؤال و جواب درباره همین اصول می‌کند و جواب را قبل از آن که خصم بدهد؛ خود می‌دهد. این شیوه از اسلوبهای بدیع و نو در ذکر دلیل است<sup>(۳)</sup> که در قرآن آمده است و برای آن است که «خصم را اندک اندک به خود نزدیک و در نهایت او را موافق خود نماید»<sup>(۴)</sup>.

### بیان فخر رازی در کلمه قل

فخر رازی میگوید: این «قل، قل» گفتن جهت بیان آن سؤال و



جواب است که به آن امر کرده است. سپس اضافه می‌کند این امر به سؤال و ذکر جواب به جای خصم، در جایی درست و نیکو است که جواب به اندازه‌ای از ظهور و روشنائی باشد که امکان انکار و دفع ورد آن نباشد.

موارد احتجاج - سؤال و جواب در - این سوره مبارکه از این مورد خاص میباشد. بدلیل آنکه آثار بسیار روشن حدوث و امکان به دید متکلم، در عالم مادی وجود دارد.<sup>(۵)</sup>

### جواب صاحب المنار

صاحب المنار دو اشکال بر فخر رازی کرده‌اند<sup>(۶)</sup>. یکی اینکه (پیشی گرفتن به جواب از خصم در غیر آن مورد هم نیکو است مثلا آنجایی که جواب عین اعتقاد مسئول و پرسیده شده باشد یا اینکه جواب صحیح و حقیقی مسئله باشد.

سبقت گرفتن به جواب، برای آن است تا لوازم دیگر مسئله را یعنی آن جاهایی از مسئله که بر طرف، مجهول یا مغفول یا آنچه به خاطر ندانستن و غفلت مورد انکار قرار می‌گیرد، و لازم است آن را بشناسد و معتقد باشد بر آن جواب که می‌دهد، پی ریزی و مبتنی سازد.

دوم اینکه جواب مسئله‌ها که در این سوره به آن داده شده از چیزهایی نیست که قابل انکار ورد نباشد، بسیار کسان مانند ملحدین و اهل تعطیل آن را انکار نموده است.

### نامیدن سوره به سوره احتجاج

بهر حال این سوره به جهت تکرار چهل و سه بار لفظ «قل» به سوره احتجاج نامگذاری شده است.

### احتجاج در لغت

حجت آوردن، خصومت کردن در علم، ذکر دلیل، برهان، اقامه حجت، اظهار جدی و اعتراض سخت است. استدلالهای این سوره مبارکه هم برهان و اظهار جدی است و هم اعتراض سخت بر علیه معاندین و کفار است. شاید این جهت دیگری می‌باشد که این سوره، سوره احتجاج نامیده شده است.

### شبهه در علم پیامبر اسلام (ص)

برخی خیال کرده است چون مخاطب این «قل»ها پیامبر اسلام است خداوند اگر این جوابها را نمی‌داد، و به پیامبر نمی‌آموخت، پیامبر آن علم که بایستی می‌داشت، نداشت.

اینگونه نگرش و دید نسبت به پیامبر، یک نگاه سطحی و ظاهری

است، پیامبرشناسی او در این خداست که پیامبر از افراد که به دین او ایمان آورده است؛ مقدم تر است ولی همپراز نوایغ عالم است.

### جواب شبهه

ما پیامبر ﷺ را دست پرورده، «الرحمن علم القرآن<sup>(۷)</sup>» می دانیم که هر چه دارد از تعلیم شدید القوی، آموخته است و اگر تعلیم او -تبارک و تعالی- نبود «و علمک مالم تکن تعلم<sup>(۸)</sup>» تو (ای پیامبر ﷺ) آن کسی نبود، که از نزد خود بدانی؛ مترجمین قرآن ترجمه نموده اند، که بیاموخت آنچه را ندانستی. این احتجاجها را از تعالیم خدا به او برای مزید بینایی او میدانیم لیکن می گوئیم: پیامبر بخاطر شایستگی و لیاقتش مخاطب قرار گرفته چون مخاطب حق تعالی هر کسی نمی تواند باشد. شایستگی او در این است که بدون واسطه مخاطب هست، ما بواسطه او مخاطب هستیم، مخاطب مباشر و بدون واسطه مقدم و شریف تر از مخاطب با واسطه است.

و از طرفی او است که بلاواسطه وحی را از خدا تلقی می کند سپس مردم از لبان مبارکش وحی را می شنوند. او باید وحی را همچنانکه تلقی کرده است؛ باید ابلاغ کند. چون پیامبر ﷺ این آیات را بالفظ «قل»

تلقی نموده است لذا این کلمه «قل» در این آیات شریفه آمده است. گواه مطلب حدیثی است از امام صادق علیه السلام که از پدرش امام باقر علیه السلام در تفسیر «قل هو الله احد» آمده است می فرماید: «قل» یعنی «اظهر ما اوحینا الیک و نبأناک به، بتألیف الحروف الی قرأناها لک لیهدی بها من الی السمع و هو شهید»<sup>(۹)</sup> یعنی آنچه را ما به تو وحی کردیم، و خبر دادیم، اظهار کن و به مردم بگو این تالیف حروف و جمله‌های آنچه را که برای تو قرائت کرده‌ایم و خوانده‌ایم.

احتمال دیگر این است که مخاطب فقط پیامبر صلی الله علیه و آله باشد به دلیل اینکه قرآن هدایت انسان و نظام هستی را، منحصرأ در اختیار خدا میداند و پیامبر صلی الله علیه و آله واسطه فیض، و سیله هدایت و حجت خداست. بنابراین همانگونه که اصل هدایت از ناحیه خدا صادر می شود شکل و چگونگی هدایت هم از ناحیه اوست. بدین ترتیب نتیجه گیری می کنیم وقتی می فرماید «قل»، یعنی چنین بگو، چگونگی و شکل هدایت را با به پیامبر صلی الله علیه و آله می آموزاند.

### پی نوشت مقدمه

- ۱-۳ طباطبایی. سید محمد حسین. المیزان ج ۷ ص ۳
- ۴- مغنیه محمد جواد التفسیر الکاشف ۳ ص ۶۷
- ۵- فخر رازی محمد بن عمر. التفسیر الکبیر ج ۶. ذیل آیه ۱۲ سوره انعام
- ۶- رشید رضا. المنارج ۷ ص ۲۳۴
- ۷- سوره الرحمن / ۲۰۱
- ۸ سوره نساء / ۱۱۳
- ۹- صدوق. محمد بن علی. التوحید ص ۸۸.

## استدلال عقلی و قرآن

## فصل اول

تردیدی نیست که حیات انسان حیاتی است فکری. زندگی بشر بدون ادراک که ما آن را فکر می‌نامیم؛ سامان نمی‌گیرد. اما سؤال در طریقه درست فکر کردن است چون زندگی استوار مبتنی و مشروط به فکر استوار است. فکر صحیح و کامل و استوار که قرآن به آن هدایت می‌کند؛ و معارف خود را بر آن مبتنی نموده است؛ چیست؟

بدیهی و آشکار است که قرآن هر دعوت و ادعا و مسئله‌ای را با استدلال بیان کرده است و بیش از سیصد مورد ترغیب و تشویق به نظر و استدلال، تفکر و تعقل و تذکر نموده است. و خداوند بندگان خود را مأمور نکرده است، که کور کورانه او را بندگی کنند، با اینکه، عقل بندگان خدا و انسانها قادر به تشخیص ملاک و خواص شرایع که تشریح شده است؛ نیست. اما با اینهمه شرایع را به داشتن آثاری تعلیل کرده، که به تأمل در آن آثار، تشویق و ترغیب شده است.

### منع از استدلال

در مقابل عده‌ای قائل<sup>(۱)</sup> به منع و تعطیل نظر و استدلال در قرآن و سنت شده است. می‌گویند: «نظر و استدلال موجب تعدد آراء می‌شود و تعدد آراء موجب تشتت و اختلاف و فساد در جامعه مسلمین